خبر

برگزاری جلسه پارلمان عراق و حاشیه‌سازی دوباره حامیان صدر

جلسه پارلمان عراق، دیروز پس از وقفه‌ای دو ماهه با حضور ۲۰۳ نماینده و به ریاست «شاخوان عبدا...» نایب رئیس دوم پارلمان تشکیل شد. بررسی درخواست استعفای محمد الحلبوسی، رئیس پارلمان و انتخاب نایب‌رئیس اول پارلمان به جای حاکم الزاملی از جریان صدر که همراه سایر نمایندگان این جریان از پارلمان استعفا کرده، در دستور کار نشست دیروز بود. نمایندگان پارلمان عراق در نشست دیروز خود با درخواست استعفای محمد الحلبوسی مخالفت کردند و ضمن ابقای او به عنوان رئیس مجلس، محسن المندلاوی را به عنوان نایب رئیس اول او انتخاب کردند. اما همزمان با برگزاری نشست پارلمان، حامیان جریان صدر در اعتراض به برگزاری این جلسه، مقابل منطقه سبز تجمع کرده و سعی داشتند بار دیگر وارد آن شوند.

بر اساس گزارش‌ها، ده‌ها نفر از افرادی که حامیان جریان صدر شناخته می‌شوند، از سه‌شنبه شب وارد مناطق اطراف منطقه سبز شده بودند. تجمع‌کنندگان خواستار انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات زودهنگام هستند اما نهادهای قانونی عراق اعلام کرده‌اند که انحلال پارلمان، مسیرهای قانونی خود را دارد که جریان صدر تاکنون نتوانسته از طریق آنها به هدف خود برسد.

گزارش

سیگنال‌های متعدد اغتشاشگران و حامیان آنها به غرب

خواهش می‌کنیم ایران را تحریم کنید!

حسین یاری
گروه بین‌الملل

شبکه‌های ماهواره‌ای ضدانقلاب از یک‌سو و جریانات داخلی حامی اغتشاش و آشوب از سوی دیگر دست به دست یکدیگر داده‌اند تا ماجرای درگذشت مهسا امینی را به یک اسم رمز برای مزمن‌سازی بحران در کشورمان تبدیل کنند. حتی وعده صریح برخی مسئولان کشورمان مبنی بر پیگیری دقیق و حقوقی ماجرا و برخورد با متخلفان نیز از سوی جریان‌های معاند سانسور و روایت‌هایی دروغین و متناقض جایگزین آن شده است.

در این میان، کاخ سفید و اتحادیه اروپا نیز با هیجان خاصی مشغول هدایت این روند هستند. اما سؤال اصلی اینجاست که اصرار بر آشوب و اغتشاش در کشور چه عواقب و تبعاتی برای کشورمان داشته و نتیجه ژست ظاهرا دموکراتیک و در واقع ابزاری بانیان فتنه اخیر چه بوده است؟

واقعیت این است طی سال‌های اخیر، اعمال انواع تحریم‌های اولیه و ثانویه از سوی دشمنان قسم‌خورده نظام و ملت ایران منجر به وقوع انواع آسیب‌های فردی و اجتماعی در کشورمان شده است. بسیاری از شهروندان ایرانی بر اثر تحریم دارو و لوازم پزشکی متاسفانه جان خود را از دست داده و برخی دیگر، دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیر شده‌اند.

از سوی دیگر، بازیگران غربی و در راس آنها ایالات متحده آمریکا (در دوران ترامپ و بایدن) با گرو گرفتن معیشت ملت ایران و اعمال انواع فشارهای اقتصادی بر کشورمان، درصدد عقب‌نشینی کشورمان از اصول خود برآمده‌اند.

در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، شاهد اعمال استراتژی فشار حداکثری علیه کشورمان را شاهد بودیم. در دوران ریاست‌جمهوری بایدن نیز همان استراتژی با تاکتیک‌هایی دیگر علیه مردم ایران اعمال شد. آشوب‌های اخیر، تیر خلاصی به آن انگاره‌هاست که تفاوت ماهوی بین سیاست‌های دموکرات‌ها و جمهوریخواهان علیه ایران را تبلیغ می‌کردند. تفاوتی هم اگر هست، صرفا در سطح تاکتیک است و آن هم نه برای همیشه.

کسانی که سخنرانی جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل را شنیده‌اند حتما این را هم شنیده‌اند که او علنی از آشوب‌ها و اغتشاشات اخیر در ایران حمایت کرد. حتی رابرت مالی، مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا و دیگر مقامات این کشور نیز تاکید کردند واشنگتن تمامی توان و امکانات خود را در راستای تشدید دامنه بحران در کشورما به کار خواهند گرفت.

جلادانی که دموکرات شده‌اند

در این معادله، نمی‌توان نقش گروه‌های ضدانقلاب را نادیده انگاشت. گروه تروریستی کومله در اقلیم کردستان عراق که در دوران ابتدای پیروزی انقلاب، جنگ تحمیلی و حتی پس از آن وحشیانه‌ترین جنایات را علیه فرزندان آب و خاک ما صورت داده است، اکنون به اتاق عملیات اصلی آشوب و بحران‌سازی در استان‌های غربی کشور تبدیل شده و حتی گزارش‌هایی از تحرکات آنها در دیگر نقاط ایران منتشر شده است.

درخصوص منافقین که پرونده آنها با خون و جنایت عجین شده است، جای هیچ‌گونه حرفی باقی نمی‌ماند؛ منافقانی که ۱۷هزار نفر از مردم عزیز کشورمان را با توحش و وقاحت به شهادت رسانده و حتی در راستای نابودسازی کشورمان حاضر به همپیمانی با صدام(در دوران جنگ تحمیلی) شده‌اند. در حال حاضر نیز منافقین با بوجه نهادهای امنیتی آمریکا، فرانسه و عربستان سعودی درصدد تنفس مصنوعی به آشوب‌ها در کشورمان برآمده‌اند. سلطنت‌طلبان نیز در حالی ژست دموکراسی و آزادی به خود می‌گیرند که همراهی آنها با دولت ترامپ در اعمال انواع تحریم‌های غیرانسانی درکشورمان برهمگان محرز است. به‌راستی در چنین شرایطی چه توجیهی برای باور ادعای این جلادان دروغ‌پرداز باقی می‌ماند؟

مکث

آثار همراهی با جریان‌های معاند

بدون شک هدف اصلی غرب و جریان‌های ضدانقلاب، پیگیری استراتژی فشار حداکثری و دیگری مهار حداکثری ایران قدرتمند است. در این معادله، جان بیش از ۸۰ میلیون شهروند ایرانی کمترین اهمیتی برای مدعیان آزادی و دموکراسی ندارد. بدیهی است آثار و تبعات بازی در زمین ضدانقلاب، تحمیل فشارهای اقتصادی و معیشتی جدید به کشور به بهانه‌های واهی و دیگری، استمرار بحران‌های امنیتی پایدار در برخی نقاط کشور است. فراموش نکنیم دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی غربی و به‌ویژه آمریکایی، هرلحظه در کمین بحران‌آفرینی برای ایران هستند، رویکردی که ایجاد آشوب اخیر در کشور تنها می‌تواند یک مصداق آن باشد. بدون‌شک، پیگیری پرونده درگذشت مرحوم مهسا امینی، موضوعی است که بزرگان و دلسوزان نظام و انقلاب نسبت به آن تاکید دارند. با این حال، خلق بحران‌های امنیتی مزمن به بهانه این ماجرا، آدرسی غلط است که از سوی جریانات ضدانقلاب و معاند به کشور و جامعه ما مخابره می‌شود. باید گفت دشمنان ایران درصددند از توان عده‌ای معدود از شهروندان فریب‌خورده علیه کل کشور(از جمله خود آن افراد) استفاده کنند. این بازی غرب در دیگر کشورهای دنیا مسبوق به سابقه بوده و صرفا باید با آگاهی، رصد هوشمندانه و اقدام به‌هنگام در برابر این بازی خطرناک، آثار و تبعات آن را خنثی و مهار کرد. بدیهی است نظام و ملت ایران در برابر بحران‌سازی‌های اخیر غرب و تنفس مصنوعی ضدانقلاب به آشوب و بلوا نیز سربلند بیرون خواهد آمد و حسرت فشار حداکثری دشمنان و رسیدن آنها به اهداف خود در این آوردگاه را بر دل آنها خواهند گذاشت.

ذره‌بین

پشت پرده خرابکاری در خط لوله نورد استریم

سعید سبحانی
گروه بین‌الملل

دو روز پس انتشار گزارش‌ها درباره دو مورد نشتی گاز از خط لوله انتقال گاز روسیه به اروپا به اسم «نورد استریم ۱» و یک مورد نشتی گاز از خط لوله انتقال گاز «نورد استریم ۲» حوالی آب‌های دانمارک و سوئد و گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال خرابکاری در این ماجرا، موضعگیری‌های مقامات غربی، فضا را شفاف کرده است. نورد استریم ای جی، اپراتور شبکه خطوط لوله نورد استریم اعلام کرده بود، سه خط دریایی سیستم خط لوله گاز نورد استریم در یک روز آسیب بی‌سابقه دیده است.

به دنبال این ماجرا، دیمیتری پسکوف، سخنگوی ریاست‌جمهوری روسیه در خصوص بحران اخیر خطوط لوله نورد استریم گفت هر چند تحقیقات در حال انجام است اما خرابکاری را به عنوان دلیل آسیب به شبکه خطوط لوله نورد استریم در دریای بالتیک رد نمی‌کنم.

اما سؤال اینجاست خرابکاری در این خط لوله با چه هدفی صورت گرفته است. مارین لوپن، رهبر حزب دست راستی فرانسه، هدف از این اقدام را گسترش جنگ اوکراین می‌داند. او ضمن درخواست از سازمان‌های بین‌المللی برای تحقیق درباره خرابکاری در خط لوله گاز روسی نورد استریم گفت: «تحقیقاتی بین‌المللی لازم است. در حال حاضر اگر نظرم را بخواهید، این یک خرابکاری است و افرادی وجود دارند که واقعا به دنبال بدتر کردن اوضاع و فشارآوردن برای جنگ هستند.»

رهبر حزب دست راستی «اجتماع ملی» فرانسه افزود: «این اتفاق بسیار نگران‌کننده‌ای است. ما به سازمان‌های بین‌المللی احتیاج داریم و این وظیفه آنهاست افرادی را که دست به این اقدام زده‌اند شناسایی کند.»

چگونه انجام شد؟

روزنامه آلمانی تاگس اشپیگل به نقل از منابع نزدیک به تحقیق در مورد این حادثه گزارش داده‌است که خطوط لوله گاز نورد استریم ۱ و نورد استریم ۲ روسیه ممکن است با استفاده از زیردریایی یا غواصان کاملا آموزش دیده، مورد حمله قرار گرفته‌باشند. این روزنامه در گزارش خود نوشته‌است این اقدام عادی نیست و با توجه به این‌که لوله‌ها در عمق و کف دریا قراردارند برای انجام عملیات خرابکاری نیاز به فناوری، تجهیزات و افراد کاملا آموزش‌دیده بوده‌است. همچنین گفته شده‌است میزان خسارت‌های وارده تا زمانی‌که غواصان متخصص بتوانند به عمق دریا بروند، مشخص نیست. این درحالی است که دولت دانمارک در بیانیه‌ای، حجم گازمتان جمع شده در اطراف محل نشت را بالا و شرایط را خطرناک اعلام کرده و از همه کشتی‌ها خواسته‌است مسیر خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که با این منطقه مواجه نشوند.

عامل چه کسی بود؟

بسیاری از تحلیلگران معتقدند اولین متهم این حادثه، اوکراین یا حامیان این کشور هستند. البته میخایلو پودولیاک، مشاور رئیس دفتر ریاست‌جمهوری اوکراین بلافاصله در توییتی این ادعاها را رد کرده و مدعی شده نشت گاز از نوردا‌ستریم، چیزی نیست جز حمله تروریستی برنامه‌ریزی شده توسط روسیه و اقدامی جنگی علیه اتحادیه‌اروپا. در کنار این موضعگیری‌ها، توییت یک سیاستمدار لهستانی و همچنین گزارش اشپیگل درباره پیش‌بینی آمریکایی‌ها درباره احتمال خرابکاری در خط لوله نورد استریم، نقش واشنگتن را در این ماجرا پررنگ کرده‌است.

رادوسلاو سیکروسکی، نماینده پارلمان لهستان و وزیر خارجه سابق این کشور در صفحه توییتر خود عکسی از نشت گاز در خط لوله نورد استریم روسیه منتشر کرد و نوشت: «ایالات متحده، از شما متشکرم.» تحلیلگران، این توییت سیکروسکی را به معنی دست داشتن آمریکا در آسیب وارد شده به خط لوله نورد استریم می‌دانند.

توییت جنجالی وزیر خارجه سابق لهستان در شرایطی منتشر شده که در خبرها آمده‌بود، سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) چند هفته قبل به آلمان درباره احتمال حمله به خطوط گاز هشدار داده بود. منابعی که نخواستند نامشان فاش شود به مجله اشپیگل خبر دادند، سیا به دولت آلمان در فصل تابستان درباره احتمال حملات به خطوط انتقال گاز در دریای بالتیک هشدار داده‌بود و دولت آلمان فرض را بر این گرفته‌بود که این حملات علیه خطوط لوله نورد استریم ۱ و ۲ انجام می‌شود.

عملیات این خط لوله از اواخر تابستان به دلیل مشکلات مربوط به تعمیر توربین‌ها که روسیه می‌گوید ناشی از تحریم‌های غرب است، متوقف شد با این حال پر از گاز مانده‌است. نورد استریم ۱ که شامل دو خط لوله موازی هر یک با ظرفیت ۲۷/۵ میلیارد متر مکعب در سال است، در سال ۲۰۱۱ عرضه گاز به صورت مستقیم از روسیه به آلمان را آغاز کرد. نورد استریم ۲ که تقریبا به موازات نورد استریم۱ اجرایی می‌شود، سپتامبر ۲۰۲۱ ساخته شد اما هرگز راه‌اندازی نشد؛ زیرا آلمان از اعطای گواهینامه به آن خودداری کرد. این پروژه تنها چند روز قبل از اعزام نیروهای روسیه به اوکراین در تاریخ ۲۴ فوریه متوقف شد.

تحلیل

تجزیه اوکراین و عدم عضویت در ناتو و اتحادیه‌اروپا!

دلقک بازنده

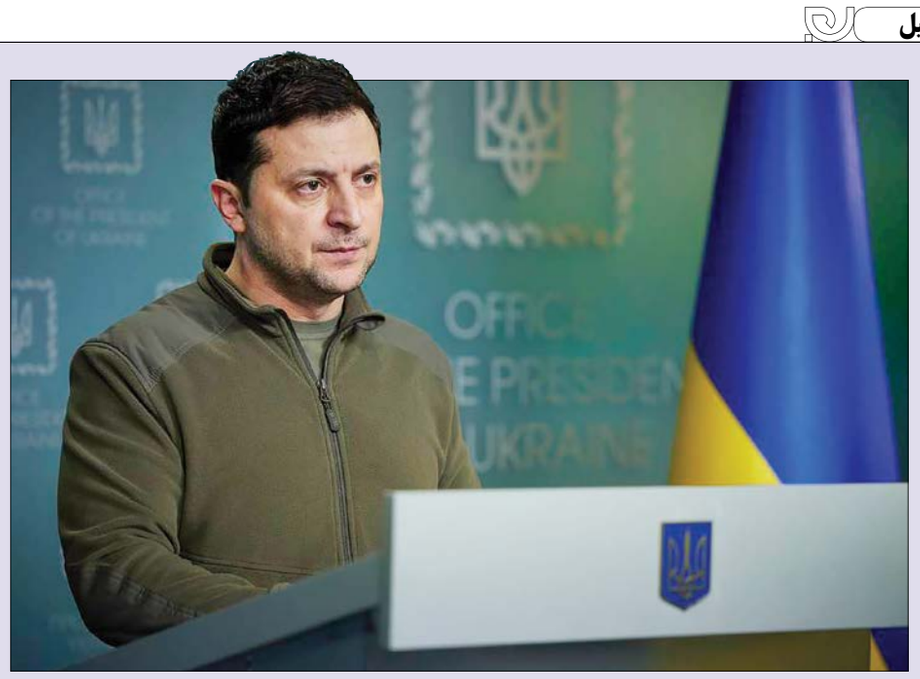

محمد علیزاده
گروه بین‌الملل

برگزاری همه‌پرسی اخیر در مناطق شرقی اوکراین بر سر الحاق این مناطق به خاک روسیه، نقطه‌ای تاریک برای اوکراین محسوب می‌شود. هرچند بسیاری از کشورهای جهان الحاق این مناطق به خاک روسیه را به رسمیت نمی‌شناسند اما تسلط اوکراین بر این مناطق شرقی و جنوبی، مانند کریمه از دست خواهدرفت. اکنون مقامات اوکراینی نتیجه بازی خود در زمین غرب را مشاهده می‌کنند: وعده‌های نسیه غرب در خصوص عضویت در ناتو و اتحادیه‌اروپا و حقیقتی به نام تجزیه اوکراین.

اکثر شهروندان ساکن در مناطق «دونتسک» و «لوهانسک» از ایده پیوستن به فدراسیون روسیه حمایت کرده‌اند. همه‌پرسی الحاق مناطق لوهانسک، دونتسک، خرسون و زاپوریژیا به روسیه از جمعه (۲۳ سپتامبر) آغاز شد. این چهار منطقه در مجموع حدود ۱۵ درصد خاک اوکراین را تشکیل می‌دهند. مطابق این گزارش، نتایج اولیه حکایت از آن دارد که در جمهوری خلق دونتسک بیش از ۹۹ درصد از رأی‌دهندگان خواستار الحاق به روسیه شده‌اند. در لوهانسک هم نتایج مشابهی به دست آمد و بیش از ۹۸ درصد از این ایده حمایت کرده‌اند. مسئولان در هر دو منطقه گفته‌اند تقریبا تمامی آرا شمارش شده‌اند. این همه‌پرسی علاوه بر این دو منطقه، در زاپروژیا و خرسون در جنوب اوکراین هم برگزار شد.

اهمیت مناطق الحاقی به روسیه

یکی از موضوعات مهمی که در این برهه باید مورد توجه قرار گیرد، مربوط به اهمیت ذاتی و ژئوپلیتیک مناطق الحاقی به روسیه است. شهر خرسون در جنوب اوکراین مسلط به دریای سیاه است و مناطق دونتسک و لوهانسک نیز نقطه ثقل قدرت اوکراین در همسایگی روسیه بودند. در چنین شرایطی روسیه عملا مناطق مرزی خود با اوکراین را پاکسازی کرده و فارغ از آن، از طریق تسلط بر منطقه خرسون، بر دریای سیاه نیز تمرکز خواهدداشت. شمارش ۱۴ درصد آرای مأخوذه در خرسون نشان داد، ۹۶/۹۷ درصد رای‌دهندگان در این منطقه به نفع پیوستن به فدراسیون روسیه رای داده‌اند. در منطقه زاپروژیا هم بررسی ۱۸ درصد آرا نشان داد ۹۸/۱۹ درصد شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی خواستار الحاق به روسیه هستند. زاپروژیا همان منطقه‌ای است که به سبب واقع شدن یک نیروگاه اتمی مهم، مورد توجه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد. نتایج رسمی نشان می‌دهد در دونتسک و لوهانسک میزان مشارکت در انتخابات بالای ۸۰ درصد بوده‌است. این دو منطقه بعد از کودتای تحت حمایت غرب موسوم به «کودتای میدان» از کی‌یف اعلام استقلال کردند.

فرصتی که اوکراین از دست داد

در ماه‌های ابتدایی جنگ اوکراین، زمینه برای مذاکره مستقیم کی‌یف و مسکو و تفاهم طرفین بر سر استقلال مناطق شرقی و تبدیل آنها به جمهوری‌های خودخوانده وجودداشت. در این میان، مقامات روس تاکید داشتند که دونتسک و لوهانسک تبدیل به جمهوری‌هایی مستقل شوند که نه در سلطه حکومت اوکراین و نه در سلطه حکومت روسیه قرار گیرند.

دیگر شرط روسیه برای پایان دادن به جنگ اوکراین، امتناع رسمی اوکراین از پیوستن به ناتو و تبدیل شدن آن به کشوری بی‌طرف بود. اما در نهایت مقامات اوکراینی و شخص زلنسکی رئیس جمهور این کشور، به دستورآمریکا و انگلیس زیر میز مذاکره زدند.

واشنگتن و لندن به زلنسکی وعده دادند نهایت حمایت‌های ممکن را برای ادامه جنگ و امتیازگیری از روسیه، صورت خواهندداد. زلنسکی نیز فریب همین وعده‌ها را خورد. اکنون روسیه پروسه الحاق مناطق شرقی را به خاک خود آغاز کرده‌است. در بهترین حالت، سرنوشتی مانند جزیره کریمه در انتظار مناطق جداشده خواهدبود.

سخنرانی مهم پوتین

همه‌پرسی الحاق مناطق لوهانسک، دونتسک، خرسون و زاپوریژیا به روسیه از جمعه (۲۳ سپتامبر) آغاز شد. این چهار منطقه در مجموع حدود ۱۵ درصد خاک اوکراین را تشکیل می‌دهند. پیش از این، خبرگزاری تاس روسیه گزارش داد روند الحاق منطقه دونباس، خرسون و زاپوروژیای اوکراین به روسیه روز ۳۰ سپتامبر (هشتم مهرماه) تکمیل خواهد شد. اوکراین و کشورهای غربی همه‌پرسی‌ها را ساختگی خوانده و مدعی هستند نتایج این همه‌پرسی‌ها از قبل تعیین شده‌اند. پیشتر، وزارت دفاع انگلیس مدعی شد ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه احتمالا الحاق «بخش‌های اشغال شده اوکراین» به فدراسیون روسیه را در سخنرانی جمعه (۳۰ سپتامبر، هشتم مهر) در پارلمان این کشور اعلام خواهدکرد. روسیه در ماه فوریه (اسفند گذشته) دو جمهوری خودخوانده دونتسک و لوهانسک را به عنوان مناطق مستقل به رسمیت شناخت. پوتین از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ (پنجم اسفند ۱۴۰۰) بعد از به رسمیت شناختن استقلال این دو جمهوری از اوکراین، از آغاز «عملیات ویژه نظامی در اوکراین» خبر داد و هدف خود را از این اقدام، نازی‌زدایی اوکراین، خلع سلاح این کشور، رفع نگرانی‌های امنیتی خود و اجابت درخواست کمک لوهانسک و دونتسک اعلام کرد.

نکته

باخت و دیگر هیچ

بدون شک زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین و غربگرایان این کشور اصلی‌ترین بازندگان تحولات اخیر در اوکراین محسوب می‌شوند. اکنون در ماه سپتامبر ۲۰۲۲ میلادی، برخلاف آنچه غرب وعده داده‌بود نه خبری از عضویت اوکراین در اتحادیه‌اروپاست و نه این کشور به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) پیوسته است. فراتر از آن، اوکراین عملا به کشوری تجزیه شده و زمینی سوخته تبدیل شده که مسلما کسی آینده‌ای برای ایجاد ثبات‌امنیتی، اقتصادی و سیاسی در آن متصور نیست. نتیجه بازی مستقیم کی‌یف در زمین آمریکا و اعضای اروپایی ناتو، چیزی جز شکست نبوده‌است. قطعا زلنسکی ناچار خواهدبود در آینده‌ای نزدیک در خصوص این «بازی دوسرباخت» لب به سخن بگشاید ....